

اوضاع اقتصادی و تجاری سامانیان

اعظم برگیان*

اشاره

تحقیق حاضر در مورد وضعیت کشاورزی، صنایع، منابع درآمد دولت و صادرات و واردات در دوران حکومت سامانیان است. حکومت آنان که روی هم رفته در ماوراءالنهر در حدود ۱۲۸ سال طول کشید، بیانگر عظمت و قدرت آنها بوده است که گذشته از ماوراءالنهر بر سرزمینهای دیگری از جمله خراسان، طبرستان، گرگان، ری و حتی سیستان و بلخ نیز تسلط داشتند؛ تا جایی که امرای سامانی، حتی ۶۰ سال قبل از شروع استقلال خویش در بلاد ماوراءالنهر، صاحب قدرت بودند. گفتنی است که بر اثر تدبیر همین امرا و شایستگی و کاردانی وزرای آنان همچون ابوالفضل بلعمی و ابوعبدالله محمد جیهانی، در این مدت، خرابی‌ها و خساراتی که از طرف حکام تحمیلی عرب بر این منطقه وارد شده بود، ترمیم گردید و طولی نکشید که شهرهای بزرگ ماوراءالنهر و خراسان، مانند طراز، اسپبجانب، بخارا و سمرقند از مراکز مهم بازرگانی شدند.

اوضاع کشاورزی در زمان سامانیان

رونق کشاورزی

قلمروی زیر سلطه سامانیان بویژه ماوراءالنهر از شرایط جغرافیایی مناسبی برخوردار بود و دارای باغها، تاکستان‌ها در زمینهای مساعد کشاورزی بود، از این رو مسأله مالکیت زمین در این دوره دارای اهمیت فراوانی بود.

* دانشجوی کارشناسی تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد.

تقریباً تمام منابعی که از سامانیان یاد می‌کنند به وفور نعمت و مواهب طبیعی در قلمرو آنان اشاره دارند. قلشقدی ماوراءالنهر را حاصلخیزترین سرزمین‌ها نامیده و ابن حوقل در این مورد چنین گفته:

«سراسر ماوراءالنهر شهرها و دیهائی است که به وسیله آب چشمه و رود یا آب باران مشروب می‌شود یا چراگاه ستوران است. محصولات آنجا علاوه بر تأمین نیازمندی‌های مردم برای دیگران نیز کفایت می‌کند. خواربار آنجا نیز فراوان و بیش از حد احتیاج است. اما آبهای آن جا شیرین‌ترین و گواراتر و سردتر و سبک‌ترین آنهاست و در کوهها و دشت‌ها و شهرها به طور فراوان هست و در سراسر این ناحیه یخ و برف پیدا می‌شود.»^۱

وی پس از این نکته اشاره دارد که فراوانی میوه در آنجا به حدی است که ستوران از آن تغذیه می‌کنند. استخری نیز ماوراءالنهر را از همه اقلیتها در دایره اسلام پرنعمت‌تر دانسته است.

وی نیز به فراوانی میوه در مناطقی از ماوراءالنهر از جمله سغد و اسروشنه و فرغانه و چاچ به حدی که چهارپایان از آن تغذیه می‌کنند، اشاره دارد.^۲

حمایت از زمینداران

خاندان سامانی خود از میان اشراف و از اعقاب سامان خداه که از امراء و دهقانان محلی که از جمله طبقه نجبای سامانی بودند برخاستند و در طول تاریخ سامانیان حمایت اشراف و طبقات زمیندار از امرای این سلسله و متقابلاً تأمین منافع زمینداران از سوی آن سامان مشاهده می‌شود.

۱ - ابن حوقل، ابوالقاسم محمدبن حوقل؛ *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۳۵، ص ۱۹۴.

۲ - استخری، ابوالسحاق ابراهیم بن محمد الفارسی، *مسالك و ممالك*، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۷، ص ۲۲۶.

فرای از قول مقریزی می‌نویسد که علویان، مازندران را از فتودالها و سامانیان بازپس گرفته و این اسفندیار، به شرکت سپاه مالکان بزرگ در لشکرکشی سامانی بر ضد علویان و طبرستان اشاره می‌کند.^۱ سامانیان پس از سرکوبی علویان، زمینهای مالکان بزرگ را که توسط علویان مصادره شده بود به صاحبانشان برگرداندند.^۲ همچنین منابع به سرکوبی شورش دهقانان توسط نصر بن احمد به یاری بزرگ مالکان اشاره می‌کنند. حمایت زمینداران و بزرگان از اسماعیل در مقابل صفاریان برای استقرار نظم و آرامش که منافع آنان در سایه آن تأمین می‌گردید از دیگر مواردی است که منابع به آن اشاره دارند.^۳

این موضوع برخی را بر آن داشته که نظام حکومت سامانیان را نظام فتودالی بدانند. البته چنان که می‌دانیم مالکیت زمین در مشرق بویژه در دوره سامانی که ما در مورد آن سخن می‌گوییم با سلیقه فتودالی در اروپا تفاوت دارد.^۴

زوال طبقه دهقان

از خصایص اواخر دوره دولت سامانی در ماوراءالنهر و خراسان، زوال طبقه دهقان بود. نه تنها ظهور ترکان از طریق نظام غلامان دربار، بلکه زوال مناطق روستایی نیز موجب فقر و بینوایی دهقانان گردید.

۱ - انصاف پور، غلامرضا؛ *روند نهضت‌های ملی و اسلامی در ایران*، (از اسلام تا یورش مغول)، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۵۹، ص ۲۲۳.

۲ - فرای، ریچاردنلسون، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب‌تیا، سروش، تهران، ۱۳۵۸، ص ۲۱۸.

۳ - بارتولد، و.و: *ترکستان نامه*، (ترکستان در عهد هجوم مغول)، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۴۸۷ و ۴۸۲.

۴ - لمبتن، آ.ک.س: *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۲۱.

سامانیان در مقایسه با طاهریان، دودمانی بسیار متمرکز بودند و رشد دیوانسالاری با رشد شهرها همراه بود و بر وسعت و پیچیدگی بخارا و سمرقند و خصوصاً نیشابور و دیگر شهرهای خراسان افزوده شد، طبقه دهقان قدرت و نفوذ خود را از دست داده و در شهرها تورم کارگر پدید آمده بود. دولت زمین‌ها را می‌خرید یا به جای خراج مصادره می‌کرد، به این گونه مالیات ارضی منسوخ گردید و از ارزش زمین نیز کاسته شد.^۱

رشد املاک موقوفه که به مسجد، بیمارستان، مدرسه و نظایر آن واگذار می‌شد، کمکی به بهبود قیمت زمین نکرد. درآمد حاصل از زمین سخت کاهش یافت و موجب گردید که دولت پیوسته در پی کسب منابع جدید درآمد برآید. از این رو خاندانهای قدیمی سستی در برابر نوزمینداران، از جمله سوداگران و بلندپایگان نظامی جای خالی کردند.

روستائیان بیش از گذشته ستم می‌کشیدند و آنها نیز به شهرها گریختند. نویسندگان این دوره از نبودن بهداشت و وضع شلوغ شهرها می‌نالند چنان که مردم بسیاری، از امتیازاتی که دیگران داشتند، عذاب می‌کشیدند.^۲

منابع درآمد دولت

حکومت سامانی برای تهیه و تأمین هزینه‌های سنگین لشکرکشی‌ها و حقوق نظامیان از طرفی و اداره دستگاه عظیم دیوانسالاری خویش از طرف دیگر می‌بایست همواره خزانه دولتی را پر نگه دلد. تأمین مخارج دربار و کاخ‌های سلطنتی و ساختمان‌های دولتی نیز بر این هزینه‌ها افزوده می‌گردید. عمران و آبادی و ساختن پلها و رباطها و حفر قنوت و غیره از جمله کارهایی بود که امرای آن سامان برای انجام آنان نیاز به بودجه فراوان داشتند.^۳ خزانه دولت سامانی از راههای مختلفی تأمین می‌گردید یکی از این راهها گرفتن مالیات از مردم بود.

-
- ۱ - بوسورث، کلیفورد ادموند: «سامانیان»، در تاریخ ایران کیمبریج، ج ۴، گردآورنده رن فرای، ترجمه حسن انوشه، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۳۳.
 - ۲ - بوسورث، کلیفورد ادموند همان، ص ۱۳۴.
 - ۳ - ابن حوقل، ابوالقاسم محمدبن حوقل: سفرنامه‌ی ابن حوقل، ترجمه جعفر شعار، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۶، صص ۹۹ و ۹۸.

مالیات

کیفیت دریافت مالیات در دوره سامانی بویژه در اوایل آن، نسبت به برخی از دورانه‌های قبل و بعد از آن وضعیت بهتری را داشته است و در داخل قلمرو برای آبادی و عمران آن صرف می‌گردید.^۱

مقدسی نیز از امرای سامانی به نیکی یاد کرده است و مالیاتهای عصر سامانی را سبک می‌انگارد،^۲ و برخی پیشرفتهای اقتصادی عصر سامانی را معلول بالا نبودن مقدار باج و خراج می‌داند.^۳ البته شواهدی وجود دارد که حکایت از فشار مالیاتی و سیاستهای غلط اقتصادی در زمان سامانیان به ویژه در اواخر آن می‌کند.^۴

هرچند مالیات به صورت نقدی معمولاً دریافت می‌شد، اما گاه رعایا به جای پول، جنس پرداخت می‌کردند. بنابراین همواره مقداری غله و گوسفند و احشام در پایتخت جمع‌آوری می‌شد و در مواقع جنگ یا خشکسالی یا هنگام مسافرت شاه مورد استفاده قرار می‌گرفت.^۵ نرشخی در تاریخ بخارا درباره خراج بخارا چنین می‌گوید:

«خراج بخارا بر روزگار آن سامان یکی بار هزارهزار و صدوشصت و هشت هزار و پانصد و شصت و شش درهم (تقریباً یک میلیون و صد و هفتاد هزار درهم) بود.»^۶

مقدسی نیز خراج مناطق دیگر را این‌گونه بیان کرده است:

-
- ۱ - راوندی، مرتضی: *تاریخ اجتماعی ایران*، بی‌نا، تهران، بی‌جا، ج ۵ ص ۸۶
 - ۲ - بوسورت، کلیفورد ادموند: *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۶
 - ۳ - میراحمدی، مریم، *نظام حکومت ایران در دوران اسلامی*، مؤسسه اطلاعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۵۲.
 - ۴ - بوسورت، کلیفورد ادموند: *همان*، ج ۱، ص ۲۶.
 - ۵ - بوسورت، همان، ج ۴، ص ۲۸۵.
 - ۶ - نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر: *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر، احمدبن محمدبن نصر القباء، تصحیح مدرس رضوی، انتشارات بنیاد فرهنگی ایران، تهران، ۱۳۵۱، ص ۳۹.

«خراج فرغانه دویست و هشتاد هزار درم محمدی، شاش، صدوهشتاد هزار درم سببی، سفدوکیش و نسف و اسروشنه، حدود یک میلیون چهل هزار درم محمدی و...»^۱
وی پس از آن که خراج خراسان را در کل، چهل و چهار میلیون و هشتصد هزار و نهصدوسی ذکر می‌کند به مالیاتهای جنسی نظیر بیست و دو هزار رأس گوسفند و یک هزار و دوازده برده و یک هزارویصد قطعه پارچه و ورق آهن نیز اشاره می‌کند.^۲

هدایا

همچنان که سامانیان به خلافت عباسی مالیات پرداخت نمی‌کردند و تنها هدایایی برای خلیفه بغداد می‌فرستادند، در قلمرو سامانی نیز نواحی وجود داشتند که از پرداخت مالیات به بخارا خودداری می‌کردند ولی هراز چند وقت هدایایی برای امیر سامانی می‌فرستادند و به این وسیله اطاعت خود را ابراز می‌داشتند. امیر سامانی نیز به دلیل وسعت قلمرو و گرفتاریهای داخلی و احتمالاً ناتوانی در اداره مستقیم این ولایات به همین مقدار بسنده می‌کرد.

ایفار: خوارزمی به اصطلاح ایفار اشاره می‌کند و آن را به معنی حمایت می‌داند. وی می‌گوید: آن چنین است که حکومت، حمایت مردم روستا یا دهستانی را بدون اینکه عاملی یا مأمورینی در آن جا بگمارد برعهده می‌گیرد و برای این طرفداری مبلغی تعیین می‌شود که باید هر سال به بیت‌المال به پایتخت، یا یکی از شهرستان‌ها فرستاده شود.^۳ بنابراین احتمال دارد این شیوه، یکی دیگر از راه‌های درآمد دولتی سامانی بوده باشد.

۱ - مقدسی، ابوعبدالله بن محمد: *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، شرت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱، بخش دوم، ص ۴۹۷ - ۹۸.

۲ - مقدسی، ابوعبدالله بن محمد: همان، ص ۴۹۲.

۳ - خوارزمی، ابوعبدالله بن احمد بن یوسف کاتب: *مفاتیح العلوم*، ترجمه حسین خدیوچم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۷، ص ۶۲.

عوارض گمرکی

قلمرو سامانی، بویژه ماوراءالنهر از دیر زمان از موقعیت تجاری مناسبی برخوردار بود چنان که جاده بین‌المللی ابریشم از این منطقه گذر می‌کرد و به تجارت آنجا رونق بیش از پیش می‌داد. یکی از راههای کسب درآمد، مالیاتهای خاص بازرگانان بود. سامانیان با استفاده از وحدت سیاسی و قدرت نظامی خود در دل مردمان دشتها ترس ایجاد کرده بودند و راههای کاروان‌رو آسیای مرکزی را امن ساخته و به این طریق به استحکام ثبات اقتصادی قلمرو خود کمک می‌کردند.^۱

همچنین در مورد حقوق گمرکی گفته شده است که بیشتر در گذرگاههای آمد دریا وصول می‌شد.^۲

معادن

یکی از سرچشمه‌های دیگر تأمین درآمدهای دولت سامانی معادن ماوراءالنهر و خراسان بود. در منابع به وجود معادن فراوان از نمک گرفته تا گوهرهای گرانبها در کوههای قلمرو سامانی اشاره رفته است. از جمله: در اطراف بخارا کوهی بود به نام درکت (Darkat) که دامنه آن به روستای درکت متصل می‌شد و این کوه تا سمرقند امتداد می‌یافت و به کوه‌های بوتم ختم می‌گردید و با اشروسنه و فرغانه می‌رسید. در این سلسله جبال معادن زیادی مانند نوشادر و زاج و آهن و جیوه و مس و فیروزه و زغال سنگ یافت می‌شد.^۳

بنا به قول مقدسی ناحیه سمرقند از حیث منابع معدنی غنی بود از جمله زغال سنگ که در این منطقه به مقدار زیاد وجود داشت و دیگر سنگ گچ سفید، زاج و نوشادر و سنگ ساختمان نیز یافت می‌شد.^۴

۱ - یوسورت، کلیفورد ادموند: *سلسله‌های اسلامی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹، ص ۱۶۰.

۲ - بیات، *از عرب تا دیالمه*، گنجینه، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۲۴.

۳ - بیات، *همان*، ص ۲۹۷.

۴ - بیات، *عزیز الله: همان*، ص ۲۹۸.

در نزدیک سمرقند نیز کوهی کشیده شده بود به نام کوهک که دامنه آن تا دیوار شهر ادامه می‌یافت قریب نیم میل طول این کوه بود، از این کوه سنگهای ساختمانی و خاکپها جهت ساختن ظروف به کار می‌رفت همچنین زاج به دست می‌آوردند^۱. در حوالی بلخ هم معادن سرب و زاج و آرسینک موجود بود^۲.

همچنین استخری می‌گوید: معادن زر و سیم و ژیده و آهن در ولایت ماوراءالنهر بسیار است و معدن‌های ایشان په از دیگر معدن‌هاست. در جای‌جای حدودالعالم به معادن مختلف (مثل فیروزه، مس، زر، نمک، آهن) در خراسان اشاره رفته است. این معادن درآمدهای سرشاری را برای حکومت سامانی به ارمغان می‌آورد. گاه این معادن به صورت مقاطعه در اختیار افراد می‌گذاشتند.

غنایم جنگی

از دیگر مواردی است که خزانه دولت سامانی از آن نصیب می‌برد. همچنان که اسماعیل به هنگام هجوم به دیار ترک و غارت شهر تلس دارایی‌های فراوان و همچنین افراد زیادی را به عنوان برده به سوی دیار سامانی سرازیر ساخت.

وضعیت صنایع در دوره سامانی

در دوره سامانی به وجود مراکز و اشیاء صنعتی اشاره رفته است که بیانگر رشد و تکامل صنعت در آن دوره می‌باشد. در جنوب شهر بخارا بازاری قرار داشته که در دکانهای آن نساجان، کفاشان، خیاطان، آهنگران، سنگ‌فروشان، زرگران و صحافان و... مشغول به کار بوده‌اند^۳.

۱ - بیات، عزیز الله: همان، ص ۲۹۹.

۲ - بیات، عزیز الله: همان، ص ۳۰۷.

۳ - راوندی، مرتضی: همان، ج ۵، ص ۲۶۷.

بنا به گفته ابن حوقل و استخری متاع معروف بخارا در زمان سامانیان جامه‌های نازک و جانماز و قالی و جامه‌های خواب، ساختن ظروف و تنگ اسب که زندانیان می‌بافتند بوده است.^۱

نرشخی نیز در تاریخ بخارا به تفصیل به بیت‌الطراز بخارا که کارگاه دیبافی بوده است و میان حصار و شهرستان نزدیکی مسجد جامع بخارا قرار داشته است اشاره کرده است.^۲ صنایع این زمان ماوراءالنهر، تا حدی تحت تأثیر و نفوذ صنعت چین رشد کرده بود، فاتحان عرب مقدار زیادی از محصولات چینی را در ماوراءالنهر یافتند، تأثیری که زبردستی و مهارت صنعتگران چینی در مسلمانان باقی گذاشته بود از اینجا آشکار می‌شود که بعدها اعراب هر ظرف زیبایی را که ماهرانه ساخته شده بود چینی می‌خواندند. از مصنوعات ماوراءالنهر آن چه در قلمرو اسلام بیشتر مشهور بود، عبارت از منسوجات ابریشمی و پنبه‌ای دره زرافشان و مصنوعات فلزی فرغانه مخصوصاً اسلحه بوده است که حتی در بغداد هم خرید و فروش می‌شد.^۳

همچنین از جمله مصنوعات معروف سمرقند که در تاریخ فرهنگ اهمیت زیادی دارد کاغذ بود که توسط صنعتگران چینی به سمرقندیان آموخته شده بود، مسگران این شهر دیگرهای بسیار مرغوب می‌ساختند، انواع رکاب و زین و برگ و شیشه آن هم معروف بود.^۴

در پایان این قسمت باید گفت که در دوره سامانیان به میزان زیادی خطر حمله اقوام بیابانگرد کاهش یافت و در نتیجه به علت رشد و توسعه شهرها فاصله میان کشاورزان و مردم شهرنشین افزایش یافت، مردم شهرنشین از اراضی و املاک دور شدند و در کار و

۱ - بیات، عزیز الله: *از عرب تا دیالمه*، ص ۲۹۸.

۲ - نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر: *تاریخ بخارا*، ص ۲۸.

۳ - بیات، *از عرب تا دیالمه*، ص ۳۰۷.

۴ - بیات، *از عرب تا دیالمه*، ص ۲۹۹.

حرفه خویش تخصصی بیشتر یافتند و همین امر باعث شده بود که سطح مهارت در کارهای دستی بالا برود.^۱

اوضاع تجاری سامانیان

در زمان سامانیان شهرهای بزرگ ماوراءالنهر و خراسان مانند طراز، اسپبجانب، بخارا و سمرقند از مراکز مهم بازرگانی به شمار می‌رفتند.^۲

در آن زمان سمرقند به عنوان بزرگترین مرکز بازرگانی و محل اجتماع بازرگانان ماوراءالنهر بود که از این محل محصولات به مقدار فراوان به شهرهای ماوراءالنهر و خراسان می‌بردند تا زمان امارت امیراسماعیل سمرقند مرکز دارالعماره ماوراءالنهر بود سپس پایتخت را به بخارا منتقل کردند.^۳

همچنین در این زمان خراسان نیز از نظر بازرگانی اهمیت فراوان داشت ولی به علت اختلافاتی که بین خانواده‌های صاحب نفوذ این منطقه بود به پای ماوراءالنهر نمی‌رسید. خرید و فروش در قرن چهار هجری به صورت جنس بود اغلب تجار کالاهای خود را از بازاری به بازار دیگر می‌بردند و با اجناس مورد احتیاج معاوضه می‌کردند، این عمل تقریباً در همه شهرهای کوچک و بزرگ و قصبات رایج بود. برای خرید و فروش جزئی سکه‌هایی در شهرها موجود بود که در دست مردم می‌گردید و در بازار همان شهر رایج بود ولی همین سکه‌ها در شهرهای دیگر ارزشی نداشت.^۴

رونق ضرب سکه

در مورد ضرب سکه در عهد سامانی باید گفت که ضرب سکه توسط سامانیان نشانی از رونق اقتصادی در عهد آنان بود و از آنجا که قلمرو مرکزی حکومت آنها در مسیر راههای

۱ - بیات، عزیز الله: همان، ص ۳۰۵.

۲ - بیات، عزیز الله: همان، ص ۲۹۷.

۳ - بیات، عزیز الله: همان، ص ۳۰۶.

۴ - بیات، عزیز الله: همان، ص ۳۰۶.

اقتصادی شرق و غرب قرار داشت، ضرب سکه و رواج آن ضرورت داشته است ظاهراً اولین سکه در عهد احمدبن اسد سامانی در سال ۲۴۸ هجری در سمرقند ضرب شده است که این حرکت نشانه‌ای است از قدرت بارز استقلال و موقعیت مستحکم حکومت او در ماوراءالنهر.

سکه‌های اولیه از جنس مس ساخته می‌شده ولی وقتی امیراسماعیل به حکومت رسید در پرتو استقرار امنیت و آرامش در دولت او ضرب سکه‌های نقره با رونق بیشتری آغاز شد، از این سکه‌ها که ابتدا نام خلیفه سپس نام امیر سامانی و نام پدر او حک می‌شده به فراوانی به دست آمده است، از جمله روسیه، لهستان و اسکاندیناوی هم‌اکنون در موزه ارمیتاژ پتروگراد نمونه سکه‌هایی که امیر اسماعیل سامانی در سال ۲۸۸ هجری در سمرقند ضرب شده، آورده است.

از دیگر سکه‌های به دست آمده، به نظر می‌رسد که گویا سامانیان تا قبل از نصر یعنی حدود سال ۱۳۷ هجری ضرب سکه سیمین یاور را هم نداشتند ولی از زمان عمارت اسماعیل بن احمد ضرب منظم درهم‌های سامانی آغاز می‌گردد و ضرب سکه زرین نیز در همین حدود آغاز می‌شود.^۱

از تجزیه سکه‌های موجود دوره سامانیان چنین نتیجه می‌شود که میزان نقره در سکه‌های اوایل قرن چهارم هجری زیاد بوده است در صورتی که در پایان همان قرن میزان نقره در سکه‌ها کاهش پیدا کرد.^۲

صادرات و واردات

یکی از کالاهای تجاری در زمان سامانیان بردگان و کنیزکان بودند، تجارت برده در سمرقند خالی از رونق نبود و خصوصاً خرید و فروش غلامان و کنیزکان ترک اهمیت و رونق زیادی داشت.

۱ - بیات، عزیز الله: «وزرای عهد سامانی»، نامه آل سامان، به کوشش علی اصغر شعر دوست، بی‌نا، تهران، ۱۳۶۴، ص ۶۰

۲ - بیات، عزیز الله: از عرب تا دیالمه، ص ۳۰۹.

ابن حوقل می‌گوید: این شهر مرکز بردگان ماوراءالنهر و بهترین بردگان این منطقه پرورش یافته‌ی سمرقند است، بازار برده‌فروشی در سمرقند می‌تواند نمایانگر توسعه اوضاع اقتصادی و حتی سیاسی در این شهر ماوراءالنهر بوده باشد.^۱

خرید و فروش برده در خوارزم مانند سمرقند خالی از اهمیت نبود و رونق فراوان داشت به علت رونق و اهمیت زیادی که در آن زمان برای خرید و فروش برده قائل بودند برخی نویسندگان آن عصر در آثار خود با دقت هر چه بیشتری بردگان را به دسته‌های مختلفی تقسیم کرده بودند، از جمله رومی، ترک، ارضی، هندی، حبشی. از مجموع اطلاعات می‌توان دریافت که غلامان ترک نفوذشان در دستگاه‌های دولتی بود که برای جنگ و اخذ مالیات و عوارض و نظایر این کارها مورد استفاده قرار می‌گرفتند.^۲

همچنین در زمینه صادرات باید گفت صادرات طبیعی و مصنوعی خوارزم عبارت بود از موم و پوست درختی که توز نامیده می‌شد و برای ساختن جلد سپر به کار می‌رفت، همچنین سریشم ماهی و عنبر چوب شمشاد و زره و کمان و بازهای شکاری و صنایع دستی مانند لحاف، دیبای نخ‌ی و ابریشمی و غیره و قفل‌های محکم و ظریفی که توسط آهنگران ساخته می‌شد و کشتی‌هایی که از کُنده درخت می‌ساختند، علاوه بر این خوارزم از مهم‌ترین مراکز فروش پوست به‌شمار می‌رفت. غالب بازرگانان خوارزم جهت خرید و فروش پوست به روسیه و ممالک نزدیک دریای خزر می‌رفتند.^۳

نتیجه

از آن‌چه در مورد اوضاع اقتصادی و تجاری سامانیان گفته شد به نظر می‌رسد که اگرچه در سایه صلح خارجی، صنعت و بازرگانی رونق و پیشرفت فراوانی داشت و قلمرو آنان

۱ - هروی، جواد: *ایران در زمان سامانیان (عصر طلایی ایران بعد از اسلام)*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۹۱.

۲ - بیات، عزیز الله: *همان*، ص ۳۰۲.

۳ - بیات، عزیز الله: *همان*، ص ۳۰۰.

نزدیک یک قرن از حمله و هجوم بیگانگان مصون ماند، ولی در مورد رشد شهرنشینی و کم‌توجهی به اوضاع روستاها باید گفت که روستائیان بیش از گذشته ستم می‌کشیدند به همین خاطر به شهرها گریختند و در شهرها علاوه بر نبودن بهداشت و وضع شلوغ، تورم کارگر به وجود آمد، چنان که مردم از بسیاری امتیازاتی که دیگران داشتند عذاب می‌کشیدند



کتاب‌نامه

- ۱- ابن حوقل، ابوالقاسم محمدبن حوقل: *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۵ خورشیدی.
- ۲- *سفرنامه‌ی ابن حوقل*: ترجمه جعفر شعار، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ خورشیدی.
- ۳- استخری، ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد الفارسی: *مسالك و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۷ خورشیدی.
- ۴- خوارزمی، ابوعبدالله محمدبن احمدبن یوسف کاتب، *مفاتیح العلوم*، ترجمه حسین خدیو جم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۷ خورشیدی.
- ۵- مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد: *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علینقلی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱ خورشیدی.
- ۶- نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر: *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصرالقباء، تصحیح مدرس رضوی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۱ خورشیدی.

تحقیقات

- ۱- انصاف‌پور، غلامرضا: *روند نهضت‌های ملی و اسلامی در ایران (از اسلام تا یورش مغول)*، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۵۹ خورشیدی.
- ۲- بوسورث، کلیفورد ادموند: *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲ خورشیدی.
- ۳- _____: *سلسله‌های اسلامی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹ خورشیدی.
- ۴- _____: «سامانیان»، در *تاریخ ایران کمبریج*، ج ۴، گردآورنده ربن فرای، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ خورشیدی.

- ۵ - بارتولد، و.و: *ترکستان نامه (ترکستان در عهد هجوم مغول)*، ترجمه کریم کشاورز، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲ خورشیدی، ج اول.
- ۶ - بیات، عزیزالله: *از عرب تا دیالمه، گنجینه، تهران، ۱۳۶۳ خورشیدی.*
- ۷ - _____: *«وزرای عهد سامانی»*، نامه آن سامان، گردآورنده علی اصغر شعر دوست، بی نا، تهران، ۱۳۷۸ خورشیدی.
- ۸ - راوندی، مرتضی: *تاریخ اجتماعی ایران (حیات اقتصادی مردم ایران از آغاز تا امروز)*، بی نا، تهران، ۱۳۶۴ خورشیدی.
- ۹ - فرای، ریچارد نلسون: *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب نیا، سروش، تهران، ۱۳۵۸ خورشیدی.
- ۱۰ - لمبتن، آ.ک.س: *مالک و زارع*، ترجمه منوچهر امیری، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲ خورشیدی.
- ۱۱ - میراحمدی، مریم: *نظام حکومت ایران در دوران اسلامی*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸ خورشیدی.
- ۱۲ - هروی، جواد: *تاریخ سامانیان (عصر طلایی ایران بعد از اسلام)*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰ خورشیدی.